

چرا مردان
به حرف زنان
گوش نمی دهند



و

محسن جده دوست
آذر محمودی

چاپ چهارم

آلن و باربارا پیس

تمام واقعیت‌های بیولوژیکی در مورد تفاوت زن و مرد

پرفروش‌ترین کتاب روان‌شناسی روز دنیا

چرا زنان

زیاد حرف می زنند
و بد پارک می کنند



بخش اول

گونه‌ای همسان، دنیایی متفاوت



سیر تکامل یک مخلوق نادر

در یک روز آخر هفته بهاری باب و سو با سه دختر نوجوان خود سوار خودرو شدند تا به کنار دریا بروند و عصر را در آنجا سپری کنند. باب پشت فرمان نشسته بود و سو در کنارش. سو هر چند دقیقه یک بار به عقب برمی‌گشت و با گفت‌وگوی به اوج رسیده دختران همراه می‌شد. به نظر باب همه با هم همزمان حرف می‌زدند و همه‌ی این گفت‌وگوها مانند پرحرفی‌های بی سر و تهی به گوشش می‌رسید. بالاخره از کوره در رفت و فریاد زد: «نمی‌تونید یه دقیقه خفه خون بگیرید؟»

همه یکه خوردند و ساکت شدند.

بالاخره سو با ترس و لرز پرسید: «آخه چرا؟»

مرد داد زد: «چون دارم رانندگی می‌کنم!»

زنان هاج و واج به یک‌دیگر نگاه کردند و تکرار کردند «رانندگی؟»

آنان نمی‌توانستند ارتباطی بین حرف‌زدنشان و رانندگی پیدا کنند. و مرد نمی‌فهمید چرا زنان باید همزمان با هم صحبت کنند و تازه راجع به موضوعاتی متفاوت و دیگر این‌که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام هم به حرف دیگری گوش نمی‌دهد. چرا آنان نمی‌توانستند دست از پرحرفی بردارند تا او بتواند بر رانندگی‌اش تمرکز کند؟ آن قدر آنان پرحرفی کردند که مرد خروجی اتوبان را رد کرد.

زن و مرد با هم تفاوت دارند. نه بهترند و نه بدتر بلکه متفاوتند. غیر از این که هر دو به یک گونه از موجودات تعلق دارند، هیچ اشتراک قابل ذکری بین آنان وجود ندارد. آنان در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند، ارزش گذاری متفاوتی دارند و از قوانین متفاوتی تبعیت می کنند. این را همه می دانند، اما افراد کمی - به خصوص مردان - حاضرند، آن را بپذیرند. و مشکل درست همین جا است. واقعیت ها قابل اغماض نیستند: در جهان غرب تقریباً نیمی از ازدواج ها در محضر دادگاه خانواده به پایان می رسد و بسیاری از روابط غیر رسمی که قرص و محکم به نظر می رسند، پیش از آن که به ازدواج برسند، به شکست می انجامد. تمامی زنان و مردان دارای هر فرهنگ، مذهب و نژادی که باشند، روش برخورد، کردار و عقاید همسرانشان را مانعی نفوذناپذیر تصور می کنند.

بعضی از تفاوت ها کاملاً آشکار هستند

وقتی مردان به آرایشگاه می روند، معمولاً به دلیلی مشخص این کار را می کنند. اما آرایشگاه برای زنان، هم محیطی اجتماعی است و هم یک مرکز درمانی. زنانی که اولین ملاقاتشان جلوی آینه ی آرایشگاه است،

مشکل اصلی در عنوان کتاب اشاره شده است: زنان و مردان با یکدیگر فرق می‌کنند. نه بهترند و نه بدتر بلکه متفاوتند. سال‌ها است که دانشمندان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان با این موضوع آشنا هستند و این را هم می‌دانند که بیان این مسئله‌ی علمی در دنیای «صداقت مصلحت‌آمیز»^۱ ممکن است آنان را از جامعه طرد کند. در جامعه‌ی کنونی به شدت به این باور چسبیده‌اند که حقیقتاً زنان و مردان از توانایی، استعداد و ظرفیت‌های برابری برخوردارند و مضحک‌تر این‌که زمانی این مسئله را عنوان می‌کنند که دانشمندان به اولین شواهد غیر قابل انکار علیه آن دست یافته‌اند.

این موضوع جامعه ما را به کجا می‌برد؟ به لبه پرتگاه! تنها زمانی که تفاوت زن و مرد را درک کرده باشیم، می‌توانیم قدرت مشترکمان را افزایش دهیم، به جای آن‌که نگران ضعف‌های فردی خود باشیم. در این کتاب به نتایج جدید تحقیقات در زمینه‌ی تکامل بشر تکیه می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه ممکن است این نتایج بر روابط زن و مرد تاثیر بگذارد و مطمئناً نتایجی که ما به دست آورده‌ایم بحث‌انگیز خواهد بود. این نتایج ما را وامی‌دارد تا دوباره فکر کنیم و گاهی هم مخالفت کنیم. با این وجود تفاهم لازم را برای ارتباط بهتر بین زنان و مردان، ایجاد می‌کند. اگر فقط باب و سو قبل از حرکت این کتاب را خوانده بودند...

چرا نوشتن این کتاب این قدر سخت بود

سه سال طول کشید تا این کتاب را بنویسیم و در این مدت ۴۰۰ هزار

کیلومتر سفر کردیم. در جریان تحقیقاتمان اسناد و مدارک مربوطه را بازرنگری و با متخصصان گفت‌وگو کردیم و سمینارهای متعددی در استرالیا، نیوزلند، سنگاپور، تایلند، هنگ‌کنگ، مالزی، انگلستان، اسکاتلند، ایرلند، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، اسپانیا، ترکیه، آمریکا، آفریقای جنوبی، لوتسوانا، زیمباوه، زامبیا، نامیبیا و آنگولا برگزار کردیم. یکی از مشکلات ما این بود که سازمان‌های خصوصی و دولتی را قانع کنیم تا در این مورد اظهار نظر کنند. به عنوان مثال در شرکت‌های هواپیمایی کم‌تر از یک درصد از خلبانان زن هستند. وقتی خواستیم با سخنگویان این خطوط هوایی مصاحبه کنیم، اکثراً تمایل نداشتند نظرشان را بیان کنند، چراکه می‌ترسیدند به عنوان آدمی ضد زن یا هوسران شناخته شوند. بسیاری به صراحت می‌گفتند: «حرفی نداریم بزیم.» و حتا بعضی از سازمان‌ها تهدید می‌کردند که مبادا نامی از آنان در کتاب برده شود.

مدیران زن اصولاً از این موضوع استقبال می‌کردند، هر چند که بسیاری از آنان به سرعت رفتاری تدافعی از خود نشان می‌دادند و تحقیقات ما را حمله به فمینیست می‌دانستند، بدون آن‌که واقعا بدانند موضوع چیست. بعضی از افراد برجسته مانند مدیران شرکت‌ها و استادان دانشگاه‌ها در پشت درهای بسته و در اتاق‌های کم‌نور و به شرط رازداری و با خواهش و تمنای بسیار به پرسش‌های ما پاسخ می‌دادند؛ با این شرط که حتا نامشان ذکر نشود و اسمی از سازمانشان به میان نیاید. بسیاری هم دو نظر متفاوت ارایه می‌دادند: نظری کاملاً مصلحتی که مورد علاقه‌ی عموم

است و نظری شخصی که نباید بازگو شود. این کتاب گاهی شگفت‌انگیز است و گاهی خشم خواننده را بر می‌انگیزد؛ با این حال همیشه جذابیت‌اش را حفظ می‌کند. این کتاب کاملاً بر اساس نتایج علمی نوشته شده است. خواندن آن به خاطر ارایه‌ی گفت‌وگوهای روزمره و نظرات و طرح‌ها - که تا حدودی هم خنده‌دار هستند - بسیار خواندنی شده است.

خواننده عزیز، هدف ما این بوده است که کمک کنیم تا با این کتاب شناخت بیشتری نسبت به خود و جنس مخالف کسب نمایید و رابطه‌ای هماهنگ‌تر، دوستانه‌تر و پربارتر برقرار سازید. این کتاب به تمام زنان و مردانی تقدیم می‌گردد که به هر حال حداقل یک‌بار نصف شب با حالت قهر و دعوا در برابر هم نشسته‌اند و با عجز و ناله به طرف مقابل گفته‌اند: «چرا نمی‌توانی مرا درک کنی؟» رابطه‌ها در حال گسستن است، چرا که مردان هنوز نفهمیده‌اند، چرا یک زن نمی‌تواند مانند مردان رفتار کند، یا این‌که زنان انتظار دارند مردانشان همچون خود آنان با مسایل برخورد کنند. این کتاب نه تنها راهنمایی برای ارتباط با جنس مخالف است بلکه به شما در شناخت خودتان نیز کمک می‌کند؛ پیش‌شرطی است برای زندگی‌ای باتفاهم، سالم و خوشبختِ دو نفره.

آلن و باربارا پیس

30book

پانویس:

۱. **politically correct** منظور، بحث مطرح در جوامع مدرن است که زنان و مردان را برابر می‌دانند که این با واقعیات علمی سازگار نیست و بسیاری از سازندگان و مروجان این تئوری نیز به این نتیجه رسیده‌اند، اما به خاطر مصلحت جامعه و خودشان همچنان بر آن پافشاری می‌کنند. نویسندگان آن را به عنوان واقعیت و با صداقت مصلحت‌آمیز مطرح می‌کنند. در بخش دهم این موضوع بیشتر روشن می‌گردد. (م)

ممکن است هنگام خروج از آنجا مانند یک روح در دو بدن باشند و تا آخر عمر رفیق گرمابه و گلستان یکدیگر شوند. در مقابل، اگر به مردی بگویید: «هی فرانک، می‌خوام برم آرایشگاه؛ باهام می‌آی؟» با بدگمانی کاملاً مشهودی سر تا پایتان را برانداز خواهد کرد.

مردان قدرت منحصر به فردی در تصاحب کنترل تلویزیون دارند و مرتب شبکه‌های تلویزیون را عوض می‌کنند. اما زنان بدشان نمی‌آید که کمی هم آگهی تماشا کنند. وقتی مردان تحت فشار قرار بگیرند، به سراغ مشروبات الکلی و دود می‌روند و جنگ و دعوا راه می‌اندازند. اما زنان ترجیح می‌دهند شکلات بخورند و به خرید بروند.

زنان از مردان انتقاد می‌کنند که چرا بی‌احساس و بی‌تفاوت هستند و به صحبت آنان گوش نمی‌دهند و کم‌تر دلسوزی و همدردی می‌کنند، چرا کم حرف می‌زنند و در مهرورزی خست نشان می‌دهند و حاضر نیستند گرم بگیرند و به جای ناز و نوازش، عشق‌بازی می‌خواهند و حلقه‌ی نشیمن‌گاه توالیت فرنگی^۱ را پایین نمی‌آورند.

مردان از زنان به خاطر ادعای مهارت در رانندگی انتقاد می‌کنند، چون حتا نمی‌توانند نقشه شهر را بخوانند و نقشه را سرورته نگه می‌دارند و قادر به جهت‌یابی نیستند؛ و آنان را به این خاطر که زیاد حرف می‌زنند - بدون اینکه به نتیجه‌ی منطقی برسند - به اندازه کافی به عشق‌بازی توجه ندارند و حلقه‌ی نشیمن‌گاه توالیت فرنگی را دوباره بالا نمی‌آورند، سرزنش می‌کنند. مردان ظاهراً قادر به پیدا کردن چیزی نیستند، در حالی که مجموعه‌ی نوار و سی‌دی آنان به ترتیب حروف الفبا مرتب است. زنان

اگر تا به حال از خود پرسیده باشید:
چرا زنان اینقدر حرف می‌زنند
و مردان در عوض دوست دارند ساکت باشند
چرا مردان نمی‌توانند به راحتی چیزی را در کمند و یا یخچال پیدا کنند
چرا زنان در تشخیص جهت جغرافیایی و پیدا کردن نشانی ضعیف هستند
چرا زنان نمی‌توانند خوب پارک کنند
چرا مردان همیشه به رابطه‌ی جنسی فکر می‌کنند
و زنان به ناز و نوازش؛
چرا مردان به اشتباه خود اعتراف نمی‌کنند
و چرا به زحمت عذرخواهی می‌کنند
چرا مردان احساسات خود را پنهان می‌کنند
چرا زنان دوست دارند بی‌هدف ساعت‌ها به خرید بروند
چرا مردان از خرید رفتن با زنان زود خسته می‌شوند
چرا مردان نمی‌توانند رو در روی زنان دروغ بگویند
چرا مردان دوست دارند گنده‌گویی کنند
چرا ...
در این کتاب پاسخ روشن و علمی برای این پرسش‌ها می‌یابید.



نشر اشاره

ISBN : 978-964-5772-42-8



9 789645 772428